

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه				بسمه تعالی	
معانوت آموزش				امتحانات تکمیل نواقصی - آبان ۱۳۹۲	
اداره ارزشیابی و امتحانات				پاسخنامه مدارس شهرستانها	
کمیسیون طرح سؤال				پایه :	۱۰
				موضوع :	فلسفه
				تاریخ :	۹۲/۰۸/۰۹
				ساعت :	۱۴

نام کتاب: نهاییه المکمه، از اول مرحله هشتم تا آخر کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. به نظر مصنف، نحوه حرکت و تغییر در حرکات عرضی و طولی به ترتیب به چه شکل است؟ ب ۹/۹ فنی ۲۱۱ سطر ۱۴

- ☐ ا. خلع و خلع - لبس بعد از لبس
☒ ب. خلع و لبس - لبس بعد از لبس
☐ ج. لبس بعد از لبس - خلع و لبس
☐ د. لبس بعد از لبس - خلع و خلع

۲. کدام گزینه در مورد مفیض صور علمیه درست نیست؟ د ۱۱/۷ فنی ۲۴۹ سطر ۵

- ☐ ا. إن مفیضها لو كان هو النفس لزم اتحاد الفاعل والقابل معاً
☐ ب. إن مفیضها هو الجوهر المجرد العقلي
☐ ج. إن مفیضها لبس أمراً مادياً
☒ د. إن مفیضها جوهر مجرد مثالی

۳. این سخن فارابی: «وجوب الوجود لا ينقسم بالحمل على كثيرين مختلفين بالعدد وإلا لكان معلولاً» برهان بر چیست؟ ب ۱۲ / ۵ ۲۷۹ سطر ۹

- ☐ ا. صرافت و بساطت ذات واجب
☒ ب. توحید ذاتی واجب و نفی شریک
☐ ج. نفی ترکیب واجب
☐ د. توحید در ربوبیت

۴. کدام گزینه در مورد صفات ذاتیه صحیح است؟ ا ۲۸۵

- ☒ ا. کلّ واحدة منها عين الأخرى
☐ ب. معان زائدة على الذات لازمة لها
☐ ج. إنها زائدة على الذات حادثة
☐ د. إن معنى إثبات الصفات نفى ما يقابلها

تشریحی

* إذ كانت الحاجة والفقر بالأصالة للوجود المعلول وهو محتاج في ذاته وإلا لكانت الحاجة عارضةً و كان مستغنياً في ذاته ولا معلولية مع الاستغناء، فذات الوجود المعلول عين الحاجة، أي إنه غير مستقل في ذاته قائم بعلة التي هي المفیضة له. ۱۵۷

۱. چرا وجود، عین حاجت است؟ کاملاً توضیح دهید.

چون اگر وجود عین حاجت، و حاجت ذاتی او نباشد پس عارض بر او خواهد شد یعنی در مقام ذات بی نیاز از علت خواهد بود و چیزی که ذاتاً بی نیاز از علت باشد معلول نخواهد بود پس خلاف فرض خواهد شد که وجود معلول است. در نتیجه، احتیاج در ذات چنین موجودی، تحقق دارد.

* لكن الشرط على أي حال أن يكون لأجزاء السلسلة وجود بالفعل وأن تكون مجتمعة في الوجود وأن يكون بينها ترتب. والتسلسل في العلل ترتب معلول على علة وترتب علة على علة وعلة علة على علة، وهكذا الى غير النهاية. ۱۶۷

۲. سه شرط حکما برای تسلسل را بیان کرده و توضیح دهید.

۱. همه آحاد سلسله، تحقق عینی داشته باشند (وجود بالفعل) بنا بر این نامتناهی بودن در اعداد محال نیست چون این سلسله نامتناهی وجود عینی بالفعل ندارد بلکه وجودشان بالقوه است. ۲. وجود هریک مترتب بر وجود دیگری باشد (ترتب علی و معلولی) لذا به نظر عده‌ای در برزخ و قیامت؛ نفوس ناطقه تسلسلشان تا بی نهایت بلا اشکال است چون در عرض هم هستند و بر یکدیگر مترتب نمی‌باشند. ۳. همه آنها در وجود اجتماع داشته باشند (مجتمع فی الوجود) پس تا بی نهایت دوام یافتن زمان بلا اشکال است چرا که بعضی از افراد معدوم و بعضی موجود و متعاقب همدیگر تحقق می‌یابند.

* وهذا الكمال الثاني هو المسمى غاية الحركة يستكمل بها المتحرك، نسبتها الى الحركة نسبة التمام إلى النقص، ولا يخلو عنها حركة، وإلاً انقلبت سكوناً. ولما بين الغاية والحركة من الارتباط والنسبة الثابتة كان بينهما نوع من الاتحاد، ترتبط به الغاية بالمتحرك، كمثل الحركة كما ترتبط بالمتحرك كمثل الحركة. ١٨٠

٣. بين غایت و حرکت چه نسبتی وجود دارد و غایت چگونه با محرک و متحرک ارتباط دارد؟

حرکت، قوه وصول به غایت است (حرکت، ناقص است و غایت، کمال حرکت است). بین حرکت و غایت اتحاد برقرار است (فعلیت حرکت با قوه غایت متحد است). چون حرکت با غایت متحد است و از طرفی با محرک و متحرک هم ارتباط دارد لذا از باب قاعده «متحد المتحد متحد» پس غایت با محرک و متحرک هم ارتباط دارد. ٤. ارتباط غایت با متحرک در این است که غایت تمام مطلوب اوست و ارتباط غایت با محرک در این است که در محرک توان ایجاد و تحقق غایت وجود دارد.

* والحق أن لا اتفاق في الوجود، والبرهان عليه: أن الأمور الممكنة في وقوعها على أربعة أقسام: دائمي الوقوع، والأكثرى الوقوع، والمتساوي الوقوع واللاوقوع والأقلّ الوقوع ... ١٨٩

٤. أ. اتفاق را تعریف کنید. ب. دلیل بر «عدم اتفاق در وجود» را با توجه به متن توضیح دهید.

أ. انتفاء رابطته بين فاعل و غایت.

ب. دائمی الوقوع و اکثری الوقوع علت دارند، فرقاشان این است که اکثری در مواردی معارض دارد، بخلاف دائمی. و اکثری هم با توجه به معارض، دائمی است و اقلی نیز با توجه به معارض دائمی است و متساوی نیز همین گونه است، پس اسباب دائم التأثير هستند و نه تخلف در تأثير دارند نه تخلف در غایت. و قائل به اتفاق، جاهل به اسباب حقیقی است.

* تنقسم الحركة تارة بانقسام المبدء والمنتهى، وأخرى بانقسام المقولة، وتنقسم أيضاً بانقسام الموضوع، وبانقسام الفاعل. ٢١٩ سطر ١٢

٥. با توجه به عبارت، مثالهای «الحركة من القعود إلى القيام» و «حركة الحيوان» و «الحركة الطبيعية» و «الحركة في الوضع» مندرج در کدام یک از تقسیمات مذکوره می باشند؟

بانقسام المبدء والمنتهى - بانقسام الموضوع - بانقسام الفاعل - بانقسام المقولة.

* الحدوث بالحق مسبوقية وجود المعلول بوجود علته التامة باعتبار نسبة السبق واللاحق بين الوجودين، لا بين الماهية الموجودة للمعلول وبين العلة كما في الحدوث الذاتي. ٢٣٣

٦. سبق و لاحق «بالحق» و «ذاتی» و فرق آن دو را توضیح دهید.

مسبوق بودن وجود معلول (نه ماهیت آن) به وجود علت تامه (یعنی علت تامه در رتبه مقدم بر معلول است) حدوث بالحق است.

سبق بودن ماهیت علت بر ماهیت معلول سبق ذاتی است.

در سبق و لاحق بالحق وجود معلول مطرح است و در سبق و لاحق ذاتی ماهیت معلول مطرح است.

* علم الشيء بالشيء هو حصول المعلوم للعالم وحصول الشيء وجوده ونفسه، فالعلم هو عين المعلوم بالذات. ٢٤٠

٧. برهان فوق برای اثبات چیست؟ توضیح دهید.

برای اثبات اتحاد عالم و معلوم (بالذات). علم چیزی مثل الف به چیزی مثل ب حصول ب است برای الف، یعنی حصول صورت علمی ب برای الف، و حصول یعنی وجود، و وجود ب همان ب است، پس علم الف به ب همان وجود ب است، پس علم الف به ب با وجود ب متحد شد. از طرف دیگر لازمه حصول معلوم برای عالم و حضور معلوم نزد عالم، اتحاد عالم با اوست.

۸. اقسام «علم حضوری» کدامند؟ حضوری بودن این اقسام را اثبات کنید. ۲۵۹-۲۶۰

۱. علم الشیء بنفسه: کل جوهر مجرد فهو لتمام ذاته حاضر لنفسه بنفسه وهویته الخارجية فهو عالم بنفسه علماً حضورياً.

۲. علم العلة بمعلولها: لأنَّ وجود المعلول وجود رابط بالنسبة إلى وجود علته قائم به فهو حاضر بتمام وجوده لعلته فهو معلوم لها علماً حضورياً إذا كانا

مجردین. ۳. علم المعلول بعلته: فإنَّ العلة حاضرة بوجودها لمعلولها الرابط لها القائم بها فهي معلومة لمعلولها علماً حضورياً إذا كانا مجردین.

* إنَّ حقيقة الوجود إمّا واجبة وإمّا تستلزمها فاذن الواجب بالذات موجود وهو المطلوب. ۲۶۸

۹. برهان مذکور را تقریر کنید.

تقریر برهان: حقیقت وجود یا واجب است که مطلوب ثابت است یا ممکن است که مستلزم واجب است یا از طریق خلف یا از طریق مستقیم اما از طریق خلف: زیرا حقیقت وجود ثانی ندارد تا به او تعلّق بگیرد و حال عدم و ماهیت هم معلول است اما از طریق مستقیم: دفعاً للدور والتسلسل مستلزم واجب است و در این جا مقصود مرتبه‌ای از مراتب آن حقیقت است که به جهت دفع دور و تسلسل باید به واجب منتهی شود.